



حسین الطافی

فریدون تیمائی
موزه‌دار موزه هنرهای ملی

ورساله هنری خود را در زمینه گل و بوته‌سازی که نمونه‌های روشنی از نمودهای طبیعت است تکمیل کند. سرانجام در سال ۱۳۱۹ بدریافت درجه لیسانس هنرهای زیبا نایل آمد. پس از آن مدتی نیز بطور آزاد بکار هنری اشتغال ورزید و ضمن تدریس بشاگردان خصوصی، مدت ۱۱ سال هم در کانون کار و آموزش بتعلیم مینیاتور اشتغال ورزید.

وی از دی ماه سال ۱۳۳۴ وارد هنرهای زیبای کشور شد و در هنرستانهای وابسته بآن مشغول بکار گردید. آثار این هنرمند بارها در بیشتر نمایشگاه‌های داخلی و خارجی بمعرض تماشای عموم نهاده شده و باخذ مدال هنر از وزارت فرهنگ و دبیرم و مدال نقره از نمایشگاه جهانی بروکسل نایل گردیده است. حسین وقتی سرشوق می‌آید که خود را در سکوت و آرامش احساس کند. آن سکوتی که با نغمه خوش پرندگان و رؤیت مناظری زیبا توأم باشد. برای همین است که وی در ایام استراحت بدشت و چمن پناه می‌برد تا آن زیبایی و شکوه را در نهان‌خانه خاطر بسپارد و بنوک قلم بیاراید و زینت دهد. تا بلوی چوپان گواه صادقی است از نقل این احساس و ابداع. همانطور که در بالا بیان داشتیم هنرمند دائم می‌کوشید تا از بوستان دانش و هنر اساتید وقت، گل تجربه اندوزد. وی در ضمن گل‌چینی و کسب معلومات، بین مکاتیب گوناگون بیش از همه با هنر مکتب هرات انس گرفته است، گوئی تمام آثار اولیه هنرمند

حسین الطافی بسال ۱۲۸۵ شمسی در تهران تولد یافت و در کودکی طبعی حساس و روحی ظریف داشت. همین حساسیت و زیادوستی وی را بنگارگری متمایل ساخت و موجب نزدیکی او با استاد کمال‌الملک شد و بطوریکه بارها استاد از پدرش درخواست می‌نمود که حسین نزد وی تعلیم گیرد، ولی هر بار با مخالفت پدرش روبرو میشد. مع الوصف حسین از نگارگری دلسرده نمیشد حتی در کلاس و ساعات درس و وقتی به نقاشی می‌گذشت. سرانجام تقاضای مدیر مدرسه که ناظر ابراز این شوق و علاقه بود مؤثر افتاد و پدرش وی را در راهی که با میل انتخاب نموده بود آزاد گذارد و در ۱۵ سالگی بعد از خاتمه تحصیلات مقدماتی مدت سه ماه نزد استاد حسین بهزاد نقاشی تعلیم گرفت و در ضمن کار هم روزی ۲ ریال مزد دریافت می‌نمود و تصمیم قاطع داشت که در زندگی جز به نقاشی بچیزی نپردازد. این اشتیاق و علاقه حتی در ایام اشتغال بخدمت نظام نیز ادامه داشت بنحوی که در ضمن انجام خدمت، حواشی نقشه‌های مربوط به خدمات صحرائی را نقاشی می‌نمود و در مراسم مانورها، دورنماهای اطراف سنگر را نیز می‌کشید، تا آنجا که مورد تقدیر شاهنشاه فقید قرار گرفت. پس از خاتمه دوره نظام باردیگر به نقاشی پرداخت و به جمع هنرمندانی که در آن زمان در هنرستان عالی هنرهای ایران گرد آمده بودند پیوست و در مدت چند سال توانست اطلاعات جامعی از استادان و هنرمندان کسب نماید



شکل ۱



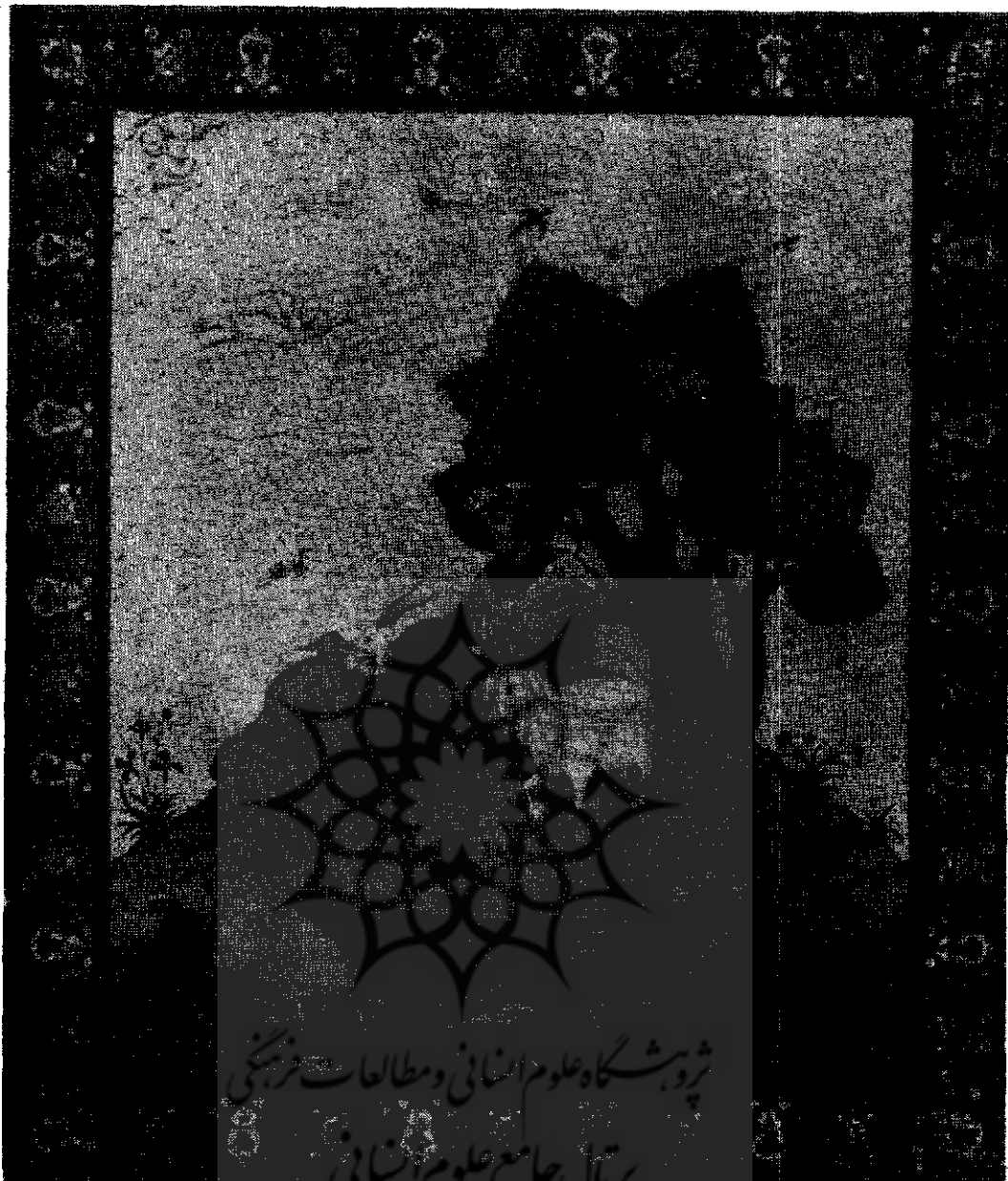
شکل ۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

بآن شیوه سخن می‌گویند ما اکنون بمعرفی آثار این هنرمند شایسته که درموزه هنرهای ملی بیادگار مانده است می‌پردازیم :
 ۱- لیلی و مجنون : (شکل ۱) - در این تابلو لیلی را زیر چادر نشان میدهد چند چادر نیز بترتیب در پشت هم قرار گرفته است . پیرزنی مجنون را به چادر لیلی راهنمایی می‌کند . مجنون با اندام نحیف و قیافه‌ی محزون نشان داده شده است . بچه‌ها بطرف وی سنگ می‌اندازند ، چادرها هر کدام تزیینات مخصوص بخود دارند ، منظره طبیعت و نقش حیوانات دریکی

از چادرها که زمینه قهوه‌ای دارد فوق‌العاده جالب طرح شده است . کمی دورتر زنی شیر میدوشد و چوپانی در حالیکه نی میزند گله گوسفند را می‌چراند . در این تابلو پرسپکتیو دیده نمی‌شود ، تجانس خطوط و هم‌آهنگی رنگها بطرز جالب جلوه‌گری نموده است .

۲- دیدار حضرت یوسف و یعقوب : (شکل ۲) - در این تابلو حضرت یعقوب فرزندش یوسف را بعد از یک غیبت طولانی در آغوش می‌فشارد . نمای داخلی ساختمان بسیار دقیق و جالب



شکل ۳

جوئیاری نشسته و با عشق و علاقه خاصی گوسفندان خود را مراقبت میکند. در اطراف وی پرندگان در پروازند. تذهیب اطراف آن از محمد علی رهبری هنرمند تذهیبکار میباشد.

۱ - آثاری که از هنرمند درموزه هنرهای ملی باقی مانده است آثار اولیه هنرمند اطلاق میگردد، چه آثار جدید وی که مربوط به سالهای اخیر می باشد اکثراً به شیوه قاجاریه گرایش رفته است.

نقاشی شده و نقش آهو و گوزن و پرندگان در دیواره های طرفین نبوغ هنرمند را بخوبی آشکار ساخته است. اضلاع دیوار و کف تالار بطرزی جالب و بفرم کاشی طرح ریزی شده و آن ریزه - کاری های درخاتم و نمای آن گنبد و بالاخره منظره ی طبیعت و کوه و درخت و آسمان برابر، بسیار باشکوه جلوه گر شده است. ۳ - شبان و گوسفندان: (شکل ۳) - چوپانی در کنار